



مناسبات نامہ

فهرست

- ۲ منزل اول بندگی معبود
- ۱۱ منزل دوم توسل به معصوم
- ۲۷ منزل سوم مخاطب عام
- ۳۲ منزل چهارم گلچین ادعیه
- ۴۲ فهرست تفصیلی

منزل اول

بندگے معبود



□ ای نوای دل بینوای من خدای من

ای نوای دل بینوای من خدای من
درد من طبیب من دواي من خدای من

بر در خانه ی تو هدیه ی ناقابل من
ذکر من ناله ی من دعای من خدای من

این تو و کرامت و بزرگی و عنایت
این من و جرم من و خطای من خدای من

تو مرا صدا زدی بنده من بنده من
من تو را صدا زدم خدای من خدای من

یا عبادی الذین اسرفوا کلام توست
ربنا اغفر لنا ندای من خدای من

جز تو کس ندارد ای با خبر از راز همه
خبر از گریه بی صدای من ، خدای من

به علی قسم مرا به صاحب الزمان ببخش
که بود امام و مقتدای من ، خدای من

جگرم خون شده بر غریبیه حسین تو
خانه ی دل شده کربلای من خدای من

حلقه های گنهم به یکدگر متصلند
بسته در سلسله دست و پای من خدای من

چه غم از خانه قبر و غربت و بی کسبم
که توئی مونس و آشنای کربلای من ، خدای من

□ باز پوشاندی گناه‌ها را و مشت‌ها را نشد

باز پوشاندی گناه‌ها را و مشت‌ها را نشد
باز هم این بنده پیش هیچ کس رسوا نشد

مانده‌ام بار گناه‌ها را کجا مخفی کنم
این گناهان کبیره هیچ جایی جا نشد

خواست‌م تا بین آغوش کسی گریه کنم
هرچه گشتم خوبتر از تو کسی پیدا نشد

خواست‌م مثل تمام بندگان خوب تو
چند روزی بنده‌ی خوبی شوم اما نشد

خواست‌م تا چند روزی توبه‌ام را نشکنم
هرچه کردم آخرش یک روز هم حتی نشد

آبرویی را که با بدبختی و بیچارگی
قطره قطره جمع کردم عاقبت دریا نشد

خوش به حال آن کسی که رو سفید فاطمه است
مثل من این روزها شرم‌منده‌ی زهرا نشد

آه دارد عمر ما کم کم به آخر می‌رسد
آخرش یک کربلا هم قسمت ماها نشد

(سیدرضا نریمانی)

□ بدم من و دور و برم، شبیه من آدمی نیست

بدم من و دور و برم، شبیه من آدمی نیست
بدتر از اینم که باشم، چون تو رو دارم غمی نیست

گفتی درِ خونه‌ی من، همیشه با امید بیاید
گفتی به موسی نمک، آش تو نم از من بخواید

الهی من قربون تو خدای مهربون برم
محاله از درِ خونه‌ت دست خالی بیرون برم

از بس که زود حاجت میدی، این بنده دیگه لال شده
اما خدایه چی برام تازگیا سؤال شده!

راسته میگن توو بنده‌هات، از بعضیا دل بُردی؟!
تا نشنوی صداشونو، زود حاجتاشونو میدی!

رو راست جوابمو بده، نکنه اون بده منم؟!
میدونم اون که صاحبِ گناهِ بی حدِ منم

آبروم و نریز خدا، چون یل امّ البنین
قسم به آب مشکِی که، جلو چشاش ریخت روزمین

می ترسید آبروش بره، آبروشو زهرا خرید
اومد و با دست کبود، از بدنش تیر می کشید

□ به کسی چه مربوطه خوب یا بده

من فراری بودم و کشوندی ام
با بدی هام تو خونهت نشوندی ام

به کسی چه مربوطه خوب یا بده
برا صاحب خونه مهمون اومده

اگه اون دوسم نداشت رام نمی داد
میون سوخته دلش جام نمی داد

اومدم این دل آلوده مو شستشو بدی
من بی آبرو رو شاید تو آبرو بدی

خونهی کریم مگه کسی شناسایی میشه
وقتی در وابشه خوب و بد پذیرایی میشه

اومدم آشتی کنم با تو به مولا، آخدا
دستمورد نکنی به جون مولا آخدا

به علی روشو ندارم با تو روبه رو بشم
اما چی بگم اگه نگم خدایا، آخدا

هرچه من بد میکنم بازم تو خوبی میکنی
نه با من با همه کس خوب میکنی تا، آخدا

بدیمو قبول دارم تو از خوبیت به روم نیار
که بلند پیش تو دیوارِ حاشا آخدا

اگه میخواستی نبخشی منو، آشتی نکنی
چرا از خونهم آوردیم منو اینجا آخدا

اگه میخوای به جهنم ببری واهمه نیست
اما یک جایی ببر که دشمن فاطمه نیست^۲

خسته و سرگشته ای غفار من برگشته‌ام
سر به زیر و بی کس و بی یار من برگشته‌ام

دل به هرکس غیر تو دادم غرورم را شکست
زخمی از بی‌مه‌ری و آزار من برگشته‌ام

ای رفیق روزهای سخت، دستم را بگیر
کن نظر، خورده گره در کار، من برگشته‌ام

پیش این و آن بیا و دست من را رو مکن
آبرو داری کن ای ستار من برگشته‌ام

یا درست‌م کن همین امشب و یا مرگم رسان
خسته‌ام از این همه تکرار، من برگشته‌ام

بارها و بارها شرمنده‌ی آقا شدم
باز هم با لطف او این بار من برگشته‌ام

تا زمین خوردم بلندم کرد آقای نجف
در پناه حیدر کرار من برگشته‌ام

مادر آئینه‌ها قلب مرا تطهیر کرد
با دعای مادری غمخوار من برگشته‌ام

با لبان تشنه هر لحظه برم کربلا
با سلامی لحظه‌ی افطار برگشته‌ام

بارها زینب صدا زد: کو علمدار حرم
از میان کوچه و بازار من برگشته‌ام

□ راه گم کرده‌ام و زار شدم، برگشتم

راه گم کرده‌ام و زار شدم، برگشتم
دور از این خانه گرفتار شدم، برگشتم

آن قدر دور گناهان کبیره گشتم
عاقبت عاصی و بیمار شدم، برگشتم

گفته بودی که نرو، **عزت** عالم اینجاست
رفتم و پیش همه خوار شدم، برگشتم

روح پاک‌ی که دمیدی به دلم تار شده
عفو کن مثل لجن زار شدم، برگشتم

بارها داشت می آمد گل زهرا سویم
بارها مانع دیدار شدم، برگشتم

نیت ترک خطا کردم و نفسم نگذاشت
خسته از نفس طمعکار شدم، برگشتم

تا منادی به ندا گفت: گنه‌کار کجاست؟!
زودتر از همه بیدار شدم، برگشتم

دیشب از هجر نجف نادعلی می خواندم
زائر حیدر کرار شدم، برگشتم

بار، سنگین شد و با عرض سلامی به حسین
دم افطار، سبک بار شدم، برگشتم

جان فدای دل زینب که چهل روز فقط
به همه گفت عزادار شدم، برگشتم

ای برادر تو نبودی به شام و کوفه
خسته از ظلمت انظار شدم، برگشتم

دیده‌ای؟! سوخته‌ام، آب شدم، گریه شدم
موجب خنده‌ی اغیار شدم برگشتم

□ اومدم باهات یه کم حرف بزئم سبک بشم

اومدم باهات یه کم حرف بزئم سبک بشم
با زبون مناجات حرف بزئم سبک بشم

آخه کی شبیه تو به حرف من گوش میکنه؟
کی گذشته‌های تلخم و فراموش میکنه؟

آره یادم نمیر عهده‌ی که با تو بستم و
آره یادم نمیره قولایی که شکستم و

آره یادم نمیره من و توو خلوت میدیدی
چشاتو بستنی و پرده رو گناهام کشیدی

بندگیم برا تو نیست، ولی تو اونم میخوری
خیلی شرمنده‌ت میشم آبروم و نمیبیری

تو خودت گفتی توو این ماه رو بدیت خط میکشم
به خودت قسم ازت خیلی خجالت میکشم

من خودم خوب می‌دونم دلم پُر از قساوته
تو هم این و می‌دونی دلم پُر از جهالته

نوبتی‌ام که باشه شب امام رضا شده
شب امید دل همه گنهکارا شده

آقایی که قول داده سه جا به دادم میرسه
تو سرازیری قبرم یه نگاه کنه بسه

یا امام رضا دلم یه دنیا تنگ شده برات
کاشکی دعوتم می‌کردی دوباره پایین پات

دستای خالی من منتظر عنایته
نگاه کبوتراتم برا من غنیمته

□ بار گناه آوردم

بار گناه آوردم
عمر تباه آوردم
بنده بی پناهم
بهت پناه آوردم

شیرین ترین نوای من
خدای من خدای من

یا منتهی الرجای من
خدای من خدای من

یا غافر الخطای من
خدای من خدای من

منزل دوم
تولبه
معصوم

□ سلام آقا ، که الان روبروتونم

سلام آقا ، که الان روبروتونم
من ایستادم، زیارتنامه میخونم
حسین جانم...

تو که باشی، دلم دیگه نمی لرزه
همین گریه، به لبخند تو می ارزه
حسین جانم...

بزار سایهت، همیشه روسرم باشه
قرار ما، شب جمعه حرم باشه
حسین جانم...

حرم گفتم، هوای کربلا کردم
هوایی تم، فقط دور تو می کردم
حسین جانم...

غلط گفتم، که چیزی توی کاسه م نیست
چی کم دارم، تو رو دارم، حواسم نیست
حسین جانم...

□ قلبم گرفتاره حالم پریشونه

قلبم گرفتاره ؛ حالم پریشونه
من گریه ها کردم ؛ با اسم محزونت
هرشب به یاد تو ؛ چشمامو تر کردم
دیدي جوونيمو ؛ توروضه سر کردم

باز آبرمو خریدی می—دونم
درمون دردامی دردت به جونم
خیلی بده—کار آقایانم
می خوام همیشه کنارت بمونم
آقام حسینه حسینه حسینه.
مولام حسینه حسینه حسینه.



اشک منو دیدی ؛ بازم گرم کردی
آدم نبودم من ؛ تو آدمم کردی
دور از تو دنیا رو ؛ میخام چیکار آقا
باز هم دلم تنگه ؛ تنهام نزار آقا

نیمه شبا سر رو تربت میزارم
میگم حسین آروم آروم میبارم
از تو به غیر از محبت ندیدم
من هیچکسو مثل تو دوست ندارم

آقام حسینه حسینه حسینه
مولام حسینه حسینه حسینه



عمری دلم زاره ؛ مست اباالفضله
روزی هرسالم ؛ دسته اباالفضله
کارم گره خورده ؛ ای باوفا عباس
ماه بنی هاشم ؛ مشگل گشا عباس

از بچگی گریه کردم برا تو

از من نگیر اشک تو روضه هاتو
اسمت شده مرهم هرچی درده
هیشکی تو قلبم نمیگره جاتو

سقا ابالفضل ابالفضل ابالفضل
آقام ابالفضل ابالفضل ابالفضل

□ قربون کبوترای حرمت

قربون کبوترای حرمت امام رضا
قربون این همه لطف و کرمت امام رضا

کی دعا کرده منو که این جووری می کشونیم؟
کی سفارش کرده بین عاشقا می نشونیم؟

من و این بار گناه، کجا برم که رام بدن
من و این روی سیاه، کجا برم که رام بدن

□ نامه ام را دیدم و پشت شما مخفی شدم

نامه ام را دیدم و پشت شما مخفی شدم
طفل هر وقت اشتباهی کرد پنهان میشود

من که گریان نیستم یعنی که عاشق نیستم
ورنه عاشق مثل طفلان زود گریان میشود

من نمیدانم چرا هر وقت که تب میکنم
مادرم پا میشود رو به خراسان میشود

□ ابصالح التماس دعا

ابا صالح التماس دعا
هر کجا رفتی یاد ما هم باش
نجف رفتی کاظمین رفتی
کربلا رفتی یاد ما هم باش
(تورا جان مادرت زهرا، التماس دعا)

مدینه رفتی به پابوس
قبر پیغمبر یاد ما هم باش
به دیدار قبر مخفی از
کوچه ها رفتی یاد ما هم باش

بغل کردی قبر مادر را
جای ماهم او را زیارت کن
گذر کردی از کنار آن
قبر ناپیدا یاد ما هم باش

زیارت نامه که می خوانی
بر مزار آن تربت خاموش
به دیدار قبر بی شمع
مجتبی رفتی یاد ما هم باش

شب جمعه ای گل زهرا
کربلا رفتی یادماهم باش
کنار قبر ابالفصل باوفا رفتی
یادماهم باش

بزن بوسه جای ما روی
فرق عباس و اکبر و اصغر
سر قبر قاسم و قبر

عمه ها رفتی یادما هم باش

به جای ما هم زیارت کن

عمه ات را کنج ویرانه

برای بوسیدن آن دردانه ها رفتی

یاد ما هم باش

به **مشهد** رفتی تو نزد جد غریب ما

یاد ما هم باش

دعا خواندی گرد شمع مزار حبیب خود یاد ما هم

باش

نماز حاجت که می خوانی

از برای فرج مسجد کوفه

دعا کردی از برای فرج

التماس دعا یادما هم باش

شدی محرم در مراسم حج

یا منا رفتی یادما هم باش

به هر جارفتی برو مهدی

هر کجا رفتی یادما هم باش

ابصالح التماس دعا...

همه جا بروم به بهانه تو
که مگر برسم در خانه تو

همه جا دنبال تو می گردم
که تویی درمان همه دردم
(یا ابا صالح مددی مولا)

نشوم به جز از تو گدای کسی
بی ولای تو من نکشم نفسی

که تو لیلای من مجنونی
همه هست من دلخونی
(یا ابا صالح مددی مولا)

اگرم نبود دل لایق تو
نظری که دلم شده عاشق تو

به خدا هستی همه هستم
به تو دل بستم به تو دل بستم
(یا ابا صالح مددی مولا)

دل خود زده ام گره بر در تو
چه شود که رسم بر محضر تو

من نا قابل به تو دل بستم
نکشی دامان خود از دستم
(یا ابا صالح مددی مولا)

همه درد و غمم، تو دوی منی
تو صفای صفا، تو منای منی

تو گل زیبای منی مهدی (عج)
تو مه شبهای منی مهدی (عج)
(یا ابا صالح مددی مولا)

سلام آقا، فدای تو
غصه من غم های تو

درد و بلات برای من
درد سرهام برای تو

سلام آقا فدای تو
باز دلمو آتیش زدی

گفتی یک روز جمعه میای
این جمعه هم نیومدی

شما کجا و من کجا
تو خوب خوب من بد بد

آخه چقدر مهربونی
راه دادی و بده اومد

من اومدم با اشک و آه
خسته ام و مونده تو راه

می خوام که رو سفید بشم
شبیه اون غلام سیاه

زنده باشم برای تو
بنده ی زر خرید بشم

کشته بشم به پای تو
کاشکی بشه شهید بشم

سلام آقا مجلس ما
این شب های آخریشه

امشب رویه با بیا
دهه داره تموم میشه

دیدن تو آرزومومه

منم به آرزوم میام
مگه خودت نگفتی که
تو روضه ی عموم میام
آقا بیا به روضه مون
ما گریه کن تو نوحه خون
بیا منو آتیش بزن
خودت یه با روضه بخون
تن یکی تو خاک خون
بی رمق تو علقمه
پا می کشه روی زمین
سرش رو پای فاطمه
میگه مادر خوش اومدی
سرم فدای قدمت
یه وقتی اومدی که من
نمی تونم ببینمت
یه وقتی که آب
نمونده بین مشک من
پیش پاهات جاری شده
چشمه خون تو اشک من
می خوام ادب کنم پاشم
تا که اقام نیومده
چادرتون خاکی شده
برای من خیلی بده
یه بوی خاک دار میاد
فرق میکنه با علقمه
چادرتون خاکی شده

تو کوچه‌ها یا علقمه

کاشکی دستام می تونست

سرت روزانوم بزاره

کاشکی دستم می تونست

تیر از چشمت دراره

□ دلیل دارد اگر سر به زیر و غمگینم

دلیل دارد اگر سر به زیر و غمگینم
نمانده باطنی اصلا به ظاهر دینم

نگاه کردم و دیدم تمام شد عمرم
هنوز جاهلمو بنده شیاطینم

گناه کردم و از رو نرفتم و حالا
مرا زمین زده این کوله بار سنگینم

قساوت دل آلوده ام سبب شده است
امام عصر خودم را اگر نمی بینم

همیشه بر در این خانه محترم بودم
منی که مستحق ناسزا و نفرینم

خودم اگر چه خودم را نمی بخشم
ولی به رحمت پروردگار خویش خوش بینم

**درست نیست بیایم به خانه میدانم
اجازه هست کمی پشت خانه بنشینم**

اگر چه شیعه نبودم تمام عمرم را
خوشم به لطف علی در صف محبینم

شنیدم که علی همدم فقیران بود
در آرزوی علی سالهاست مسکینم

خدا کند که بیاید کنار من باشد
خدا کند که بیاید زمان تلقینم

لحد و میذارن

پیره‌نی رو که باه‌اش سینه زد و می‌ذارن

لحد و می‌ذارن

رو کفن پرچم یا زینب مدد و می‌ذارن

کفن و می‌بندن

با ی خورده پنبه راه دهن و می‌بندن

کفن و می‌بندن

به سرش سربند جانان حسن رو می‌بندن

اسمع افهم می‌گم

براش از شبای روضه محرم می‌گم

اسمع افهم می‌گم

از تنی که روی خاکا شده درهم می‌گم

روضه خون می‌خونه

همه میرن و امام رضا فقط می‌مونه

روضه خون می‌خونه

توی قبرم واسه لب‌های حسین گریونه

مرا به مرهم و طب و طبیب حاجت نیست

که اشک روضه ارباب هست تسکینم

این جمعه هم رفت
ازت خبر نیومد، غصه به سر نیومد
مسافر غریب، من از سفر نیومد
آقا ییا آقا ییا

دل تو رو شکستم، منو ببخش منو ببخش
با غیر تو نشستم، منو ببخش منو ببخش
از این زمونه خسته ام، منو ببخش منو ببخش
آقا ییا آقا ییا

خیلی تو این شبا من، برا تو گریه کردم
بیا که آرزومه، دورت آقا بگردم
ذکر غروب جمعه هاست، آقام کجاست آقام کجاست
اون که امید قلب ماست، آقام کجاست آقام کجاست
منتقم کربلاست، آقام کجاست آقام کجاست
«آقایا آقایا، آقایا آقایا»

شرمندهم آقا
برای اشکایی که، دم سحر میریزی
گرچه بدم میدونی، خیلی برام عزیزی
من بندگی نکردم، رزمندگی نکردم
یک روز هم شبیه تو زندگی نکردم
«آقایا آقایا، آقایا آقایا»

□ آرزوی دیدنت را میبرم آیا به گور

آرزوی دیدنت را میبرم آیا به گور
یا که میبینم تو را صبح دل انگیز ظهور

کلبهٔ احزان ما کنعانیان بی وفا
گر بیایی یوسف زهرا شود دار السرور

**بی لیاقت بودنم وقتی مشخص می شود
که سلامت می دهم از راه دور**

خسته ام از دست بازی های دنیا خسته ام
از گناهان زیادم از غرور

منتظر ماندی که برگردم ولی انگار نه
من زمین خوردم از نفس طمع کار و شرور

**از گناهانم خجالت می کشم
چون که هر کجا و هر زمان داری کنار من حضور**

روضه خوان از کاروان از اسیر خواند و من
خاطراتم از کربلا تا نجف می شد مرور

دل خوشم وقتی روضه از عموجان شماست
اخه می کنی از هیئت علوی ما هم عبور

(اگر رد می شوی از این محله

نگاهی بر گدای بی نوا کن

یابن الحسن، یابن الحسن)

□ چشم تو دنبال خود چشمان ما را میکشد

چشم تو دنبال خود چشمان ما را میکشد
منت این اشک‌ها را لطف آقا میکشد

در کجا می‌آیی و گیسو پریشان میکنی؟
میگشد ما را غمت، تا آه زهرا میکشد

آخر این روضه‌گردی‌های ما خیر است خیر
عاقبت دست تو دستی بر سر ما میکشد

تا که مجنون میشود بیمار، راحت میشود
آه مجنون دارد اما درد لیلا میکشد

نوگری کردیم، اما کار، دست دیگری ست
بار ما را حضرت زهرا همین جا میکشد

ما خرابش میکنیم و او درستش میکند
خوب معلوم است خانم ناز ما را میکشد

ما گناه آلوده‌ایم اما عروج ماست اشک
گریه کن، با گریه ای دل کار بالا میکشد

گفت عقبای خودت را صرف دنیایت مکن
میروی دنبال آن، دنیا ولی پا میکشد

منزل — ووم

مخاطب عام

□ از همه خسته شدم، خستگی ام را در کن

از همه خسته شدم، خستگی ام را در کن
مضطرم، لطف کن و فکر من مضطر کن

بی پناهم، به جز این خانه پناهم ندهند
من پناهنده شدم بر تو، مرا در بر کن

گرچه رویم سیاه و دامنم آلوده شده
از خطایم بگذر، حال مرا بهتر کن

حال اشکی بده من را که دلم بشکسته ست
بعد از آن رحم بر این حال و به چشم تر کن

یارثوف از سر رأفت مددی کن بر من
یاکریم از کرمت شامل این نوکر کن

بر سر سفره‌ی تو آمده‌ام سفره گشا
بین خوبان درت جای مرا گستر کن

آمدم توبه کنم، قول دهم خوب شوم
توبه‌ام را بپذیر حرف مرا باور کن

کوچکم محضر تو ای تو بزرگ همگان
من نه، اصلاً نظرم حق یل خیبر کن

به بزرگی علی دست من کوچک گیر
قلب من را حرم فاطمه و حیدر کن

علی و فاطمه بر روی حسین حساس اند
نظری بر من نوکر به شه بی سر کن

زخمی افتاده به گودال و تنش در خون است
شمر! صرف نظر از دِشَنه و از خنجر کن

خواهرش آمده از تل بُرد شه سر را
رحم بر قلب پُر از خون چنین خواهر کن

□ رو سیاه آمدم و دربه‌درم پاکم کن

رو سیاه آمدم و دربه‌درم پاکم کن
با نگاهی به دو چشمان ترم پاکم کن

دارم اقرار به لب؛ عبد خطاکار هستم
دست خود را بکش آقا به سرم، پاکم کن

ناخوش احوالم از این عهد شکستن‌هایم
توبه‌ام توبه نشد، بی‌ثمرم، پاکم کن

بس که رفتم پی دنیا و هوس بازی‌ها
بنده‌ی نفس شدم، در خطرم، پاکم کن

ترس دارم که دگر فرصت من کم باشد
در همین ماه بیا شاه‌کرم پاکم کن

مثل آن یار شهیدی که نگاهش کردی
جان بی‌بی دو عالم بخرم، پاکم کن

چاره‌ی کار من اصلاً حرم ارباب است
یک شب جمعه مرا کنج حرم پاکم کن

□ بادلی محزون رسیدم

با دلی محزون رسیدم، دست من را هم بگیر
ای همه عشق و امیدم، دست من را هم بگیر

هر زمان رفتم به دنبال کسی غیر از شما
جز ضرر چیزی ندیدم، دست من را هم بگیر

خسته‌ام دیگر از این حال و هوای بی کسی
از همه دنیا بریدم، دست من را هم بگیر

سرپناهی که ندارم غیر کنج خانه‌ات
سوی تو آقا دویدم، دست من را هم بگیر

گفته‌ام هر جا که رفتم؛ تو کس و کار منی
طعنه‌ها خیلی شنیدم، دست من را هم بگیر

خاک پای حیدرم، با اذن زهرا آمدم
بین روضه قد کشیدم، دست من را هم بگیر

**آرزو دارم ببینم یک شبی با مادرم
صحن ارباب شهیدم، دست من را هم بگیر**

دختری زد ناله: عمه! نیمه‌شب زجر آمد و
بد زدم، از جا پریدم، دست من را هم بگیر

سلام من به تو اماما
تا باشه از این سلاما

جوونیمو نذر تو کردم
مثل تموم پیرغلام ها

قربون تو که زندگیمی
تعزیه خون های قدیمی

خطابشون می کنی آقا
به اسم دوستای صمیمی

منزل چہارم

گلچین ادعیہ

مناجات خمسة عشر

• إِلَهِي مَا أَنَا بِأَوَّلِ مَنْ عَصَاكَ فَتُبَّتْ عَلَيْهِ ، وَتَعَرَّضَ
لِمَعْرُوفِكَ فَجَدَّتْ عَلَيْهِ ، يَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّ ، يَا كَاشِفَ
الضَّرِّ... (مناجات التائبين)

• إِلَهِي الْيَكِ اشْكُوا عَيْنًا عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ خَوْفِكَ
جَامِدَةً ، وَإِلَى مَا تَسْرُّهَا طَامِحَةً؛ (مناجات الشاكين)

• لَيْتَ شِعْرِي أَلِلَّشَّقَاءِ وَلَدَتْنِي أُمِّي؟ أَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّتْنِي
؟ فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِي ، وَلَمْ تُرَبِّبْنِي ، وَلَيْتَنِي عَلِمْتُ أَمِنْ
أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي ، وَبِقُرْبِكَ وَجِوَارِكَ خَصَصْتَنِي
، فَتَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي ، وَتَطْمَئِنَّ لَهُ نَفْسِي؛ (مناجات
خائفين)

مناجات شعبانيه

إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ وَ إِنْ
أَخَذْتَنِي بِدُنُوبِي أَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ ؛ وَ إِنْ أَدْخَلْتَنِي
النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّي أَحِبُّكَ ؛ إِلَهِي إِنْ كَانَ صَغْرُ فِي
جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي
؛ إِلَهِي كَيْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخَيْبَةِ مَحْرُومًا وَقَدْ
كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبَنِي بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا.

□ فراز اول : (استبعاد عذاب شدن)

یا اِلهی وَ سَیِّدِی وَ رَبِّی **اَتْرَاکَ مُعَذِّبِی بِنَارِکَ بَعْدَ تَوْحِیدِکَ** وَ بَعْدَ مَا انطَوی عَلَیْهِ قَلْبِی مِنْ مَعْرِفَتِکَ وَ لَهَجَ بِهِ لِسَانِی مِنْ ذِکْرِکَ وَاعْتَقَدَهُ ضَمِیرِی مِنْ حُبِّکَ وَ بَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِی وَ دُعَائِی خَاضِعاً لِرُبُوبِیَّتِکَ؟
هَیْهَاتَ اَنْتَ اَکْرَمُ مِنْ اَنْ تُضِیعَ مِنْ رَبِّیَّتِهِ اَوْ تُبْعَدَ مَنْ اَذِیَّتِهِ اَوْ تُشْرَدَ مَنْ اَوْیَّتِهِ اَوْ تُسَلِّمَ اِلَى الْبَلَاءِ مَنْ کَفِیَّتَهُ وَ رَحِمَّتَهُ؛

وَ لَیْتَ شِعْرِی یا سَیِّدِی وَ اِلهِی وَ مَوْلَای **اَتَسَلِّطُ النَّارَ عَلَی وُجُوهِ خَرَّتْ لِعَظْمَتِکَ سَاجِدَةً** ؛ وَ عَلَی اَلْسِنِی نَطَقْتُ بِتَوْحِیدِکَ صَادِقَةً وَ بِشُکْرِکَ مَادِحَةً ؛ وَ عَلَی قُلُوبِ اعْتَرَفَتْ بِاِلهِیَّتِکَ مُحَقِّقَةً ؛ وَ عَلَی ضَمَائِرِ حَوَّتْ مِنْ الْعِلْمِ بِکَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً ؛ وَ عَلَی جَوَارِحِ سَعَتْ اِلَى اَوْطَانِ تَعْبُدِکَ طَائِعَةً وَ اَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِکَ مُدْعِنَةً مَا هَکَذَا الظَّنُّ بِکَ وَ لَا اُخْبِرْنَا بِفَضْلِکَ عَنکَ یا کَرِیْمُ یا رَبِّ؛

وَ اَنْتَ نَعْلَمُ ضَعْفِی عَن قَلِیلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْیَا وَ عُقُوبَاتِهَا وَ مَا یَجْرِی فِیْهَا مِنْ الْمَکَارِهِ عَلَی اَهْلِهَا عَلَی اَنَّ **ذَلِکَ بَلَاءٌ وَ مَکْرُوهُ قَلِیلٌ مَکْنُتُهُ یَسِیرٌ بِقَائِهِ قَاصِرٌ مُدَّتُهُ فَکَیْفَ** اِحْتِمَالِی لِیَبَاءِ الْاٰخِرَةِ وَ جَلِیلِ وُقُوعِ الْمَکَارِهِ فِیْهَا وَهُوَ بَلَاءٌ تَطْوُلُ مُدَّتُهُ وَ یَدُوْمُ مَقَامُهُ وَ لَا یُخَفَّفُ عَن اَهْلِهِ لِاِنَّهُ لَا یَکُوْنُ اِلَّا عَن غَضَبِکَ وَ اَنْتِقَامِکَ وَ سَخَطِکَ هَذَا مَا لَا نَقُوْمُ لَهُ السَّمَوَاتُ وَ الْاَرْضُ یا سَیِّدِی فَکَیْفَ لِی وَ اَنَا عَبْدُکَ الضَّعِیْفُ الذَّلِیْلُ الْحَقِیْرُ الْمِسْکِیْنُ الْمُسْتَكِیْنُ.

□ فراز دوم : (شکایت از لوازم آن)

إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ لِإِيَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو
وَلَمَّا مِنْهَا أَضْجُ وَ أَبْكِي؟ لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَ شِدَّتِهِ أَمْ
لِطُولِ الْبَلَاءِ وَ مُدَّتِهِ؟ فَلَنْ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ
أَعْدَائِكَ وَ جَمَعْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ وَ فَرَقْتَ
بَيْنِي وَ بَيْنَ أَحِبَائِكَ وَ أَوْلِيَائِكَ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ
سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ
أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ؛ وَ هَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ
فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كِرَامَتِكَ أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ
فِي النَّارِ وَ رَجَائِي عَفْوِكَ. ۳



□ فراز سوم : (استبعاد عذاب شدن)

يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَ هُوَ يَرْجُوا مَا سَلَفَ
مِنْ حِلْمِكَ ؛ أَمْ كَيْفَ تُوَلِّمُهُ النَّارَ وَ هُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَ
رَحْمَتَكَ ؛ أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَيْبِهَا وَ أَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ
وَ تَرَى مَكَانَهُ ؛ أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَ أَنْتَ
تَعْلَمُ ضَعْفَهُ ؛ أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّقُلُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ
صِدْقَهُ ؛ أَمْ كَيْفَ تَرْجُرُهُ زَبَانِيَّتِهَا وَ هُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّهُ ؛
أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِثْقِهِ مِنْهَا فَتَشْرُكُهُ فِيهَا ؛
هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ.

۳. ← شعر: آگه میخوای به جهنم ببری واهمه نیست ؛ اما یک جایی ببر

که دشمن فاطمه نیست... (به کسی چه مربوطه خوب یا بدم)

دعای ابو حمزہ ثمالی

□ فراز اول : (شرح حال بنده گنہگار و مولای کریم)

أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبِّ أَنْجِيكَ
بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِبًا رَاغِبًا رَاجِيًا
خَائِفًا إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَرِغْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ
طَمِعْتُ، فَإِنَّ عَفْوَتَ [عَفَرْتَ] فَخَيْرٌ رَاحِمٍ وَإِنْ عَذَّبْتَ
فَغَيْرُ ظَالِمٍ...

عَظُمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَ سَاءَ عَمَلِي، فَأَعْطِنِي مِنْ
عَفْوِكَ بِمَقْدَارِ أَمَلِي وَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي؛ فَإِنَّ
كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ وَ حِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ
مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ...

فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرَكَ مَا فَعَلْتَهُ، وَ لَوْ
خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَاجْتَنَبْتَهُ، لَا لِأَنَّكَ أَهْوَنُ
النَّاظِرِينَ [إِلَيَّ]، وَ أَخَفُّ الْمُطَّلَعِينَ [عَلَيَّ]، بَلْ لِأَنَّكَ
يَا رَبِّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ وَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ وَ أَكْرَمُ
الْأَكْرَمِينَ، سَتَّارُ الْعُيُوبِ غَفَّارُ الذُّنُوبِ عَلَامُ الْعُيُوبِ؛
تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ، وَ تُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ، فَلَكَ
الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَ عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ
قُدْرَتِكَ؛

وَ يَحْمِلْنِي وَ يُجَرِّئْنِي عَلَى مَعْصِيَتِكَ حِلْمُكَ عَنِّي، وَ
يَدْعُونِي إِلَى قِلَّةِ الْحَيَاءِ سَتْرُكَ عَلَيَّ، وَ يُسْرِعُنِي إِلَى
التَّوْبِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَ
عَظِيمِ عَفْوِكَ؛ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا غَافِرَ
الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ...

□ **فراز دوم : (سلب توفیق و عذاب تدریجی)**

اللَّهُمَّ إِنِّي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ [تَعَبَّيْتُ] وَ
قُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ نَاجَيْتُكَ، **أَلْقَيْتَ عَلَيَّ**
نُعَاسًا إِذَا أَنَا صَلَّيْتُ، وَ سَلَبْتَنِي مُنَاجَاةَكَ إِذَا أَنَا
نَاجَيْتُكَ، مَا لِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَحْتُ سَرِيرَتِي، وَ قُرْبَ
مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي، عَرَضْتَ لِي بَلِيَّةٌ
أَزَالَتْ قَدَمِي وَ حَالَتْ بَيْنِي وَ بَيْنَ خِدْمَتِكَ؛
سَيِّدِي **لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي،** وَ عَنْ خِدْمَتِكَ
نَحَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخِفًّا بِحَقِّكَ
فَأَقْصَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي،
أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ [الْكَذَّابِينَ] |
فَرَفَضْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ
فَحَرَمْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ
فَخَذَلْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْعَافِلِينَ فَمَنْ
رَحِمْتَكَ آيَسْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آفَ مَجَالِسِ
الْبَطَّالِينَ فَبَيَّنِي وَ بَيَّنَّهُمْ خَلَيْتَنِي، أَوْ **لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ**
أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي وَ
جَرِيرَتِي كَافَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيَاتِي مِنْكَ
جَازَيْتَنِي.^٤

٤ . ← شعر : راسته میگن توو بندهات ، از بعضیا دل بُردی؟! ؛ تا نشنوی

صداشونو، زود حاجتاشونو میدی! (بدم منو دور و برم)

□ فرار سوم (گناه از روی دشمنی)

إِلَهِي لَمْ أَعْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاوِدٌ،
وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ، وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ، وَلَا
لِوَعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ، لَكِنِ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ وَ سَوَّلَتْ لِي
نَفْسِي، وَ غَلَبَنِي هَوَايَ، وَ أَعَانَنِي عَلَيْهَا شِفَوْتِي، وَ
غَرَنِي سِتْرُكَ الْمُرْخَى عَلَيَّ، فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَ خَالَفْتُكَ
بِجَهْدِي؛

فَالآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي، وَ مِنْ أَيْدِي الْخَصَمَاءِ
غَدًا مَنْ يُخَلِّصُنِي، وَ بِحَبْلِ مَنْ أَتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ
حَبْلَكَ عَنِّي، فَوَا سَوَاتَا [أَسْفَا] عَلَيَّ مَا أَحْصَى كِتَابُكَ
مِنْ عَمَلِي الَّذِي لَوْ لَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَ سَعَةِ
رَحْمَتِكَ، وَ نَهَيْكَ إِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ لَقَنْطُتُ عِنْدَ مَا
أَتَذَكَّرُهَا؛ يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ، وَ أَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجِحٌ.



□ فرار چهارم (گلايه از عذاب كردن)

إِلَهِي وَ سَيِّدِي، وَ عِزَّتِكَ وَ جَلَالِكَ لَئِنْ طَالَبْتَنِي
بِذُنُوبِي لِأَطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ، وَ لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِلُؤْمِي
لِأَطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ، وَ لَئِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لِأُخْبِرَنَّ أَهْلَ
النَّارِ بِحُبِّي لَكَ؛

إِلَهِي وَ سَيِّدِي، إِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَائِكَ وَ أَهْلِ
طَاعَتِكَ فَالَى مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ، وَ إِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ
إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَبِمَنْ يَسْتَعِيثُ الْمُسِيئُونَ. إِلَهِي
إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذَلِكَ سُرُورٌ عَدْوِكَ، وَ إِنْ
أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفِي ذَلِكَ سُرُورٌ نَبِيِّكَ، وَ أَنَا وَ اللَّهُ
أَعْلَمُ أَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدْوِكَ.

□ فِراز پنجم (درخواست عفو)

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ أَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمْنَا، وَ
قَدْ ظَلَمْنَا، فَاعْفُ عَنَّا، فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا، وَأَمَرْتَنَا
أَنْ لَا نَرُدَّ سَائِلًا عَنِ آبَائِنَا، وَقَدْ جِئْتُكَ سَائِلًا فَلَا
تَرُدَّنِي إِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي، وَأَمَرْتَنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَىٰ مَا
مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا، وَنَحْنُ أَرْقَاؤُكَ فَأَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ؛
يَا مَفْرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي، وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي، إِلَيْكَ
فَرَعْتُ، وَبِكَ اسْتَعْتَيْتُ وَ لُدْتُ، لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ، وَلَا
أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ، فَأَغِثْنِي وَ فَرِّجْ عَنِّي، يَا مَنْ
يَقْبَلُ الْأَسِيرَ [يَقْبَلُ الْيَسِيرَ]، وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ، **اقْبَلْ**
مِنِّي الْيَسِيرَ، وَ اعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ، إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ
الْعَفُورُ.

عالية المضامين

□ اللَّهُمَّ انى اسئلك أن تغفر لى ما سلف من ذنوبى على كثرتها، وأن تعصمنى فيما بقى من عمري، وتطهر دينى مما يدنسه ويشينه ويؤزى به، وتحميه من الریب والشك والفساد والشرك، وتشرح صدرى لإيتاء الزكوة، وإعطاء الصدقات، والأحسان إلى شيعة آل محمد عليهم السلام، وتصوننى فى هذه الدنيا من العاهات والآفات، والأمراض الشديدة والأسقام المزمنة وجميع أنواع البلاء والحوادث، وتصرف قلبى عن الحرام وتبغض إلى معاصيك، وتحبب إلى الحلال، وتجعل عاقبة أمرى محمودة حسنة سليمة، وتجعلنى رحيب الصدر، واسع الحال، حسن الخلق، بعيداً من البخل والمنع والنفاق، والكذب والبهت وقول الزور، وترسخ فى قلبى محبة محمد وآل محمد وشيعتهم، وتخرسنى يا رب فى نفسى وأهلى ومالى ووالدى، وأهل حزانتى وإخوانى، وأهل مودتى وذريتى، برحمتك وجودك،

□ اللهم اغفر لى ولوالدى ولإخوانى وأخواتى، وأعمامى وعماتى، وأخوالى وخالاتى، وأجدادى وجداتى، وأولادهم وذريتهم، وأزواجى وذرياتى، وأقربائى وأصدقائى، وجيرانى وإخوانى فىك من أهل الشرق والغرب، ولجميع أهل مودتى من المؤمنين والمؤمنات، الأحياء منهم والأموات، ولجميع من علمنى خيراً، أو تعلم منى علماً،

□ اللهم ارزقنى عقلاً كاملاً، ولباً راجحاً، وعزاً باقياً، وقلباً زكياً، وعملاً كثيراً، وأدباً بارعاً، [أو مالا حلالاً طيباً مباركاً، وعزاً باقياً كافياً، وجاهاً عريضاً منيعاً، ونعمةً سابغةً عامّةً و ارزقنى حج بيتك الحرام، وزيارَةَ قبر نبيك وقبور الأئمة عليهم السلام] واجعل ذلك كله لى، ولا تجعله على، برحمتك يا أرحم الراحمين.

منزل اول بندگی معبود..... ۲

- ۳ □ ای نوای دل بینوای من خدای من.....
- ۴ □ باز پوشاندی گناهم را و مشتم و انشد.....
- ۵ □ بدم من و دور و برم، شبیه من آدمی نیست .
- ۶ □ به کسی چه مربوطه خوب یا بده.....
- ۷ □ خسته و سرگشته ای غفار من برگشته‌ام.....
- ۸ □ راه گم کرده‌ام و زار شدم، برگشتم.....
- ۹ □ اومدم باهات یه کم حرف بزنم سبک بشم...۹
- ۱۰ □ بار گناه آوردم.....

منزل دوم توسل به معصوم..... ۱۱

۱۲..... امام حسین علیه السلام

- ۱۲ □ سلام آقا ، که الان روبروتونم.....
- ۱۳ □ قلبم گرفتاره حالم پریشونه.....

۱۵..... امام رضا علیه السلام

- ۱۵ □ قربون کبوترای حرمت.....
- ۱۵ □ نامه‌ام را دیدم و پشت شما مخفی شدم....

۱۶..... امام زمان

- ۱۶ □ اباصالح التماس دعا.....
- ۱۸ □ همه جا بروم به بهانه تو.....
- ۱۹ □ سلام آقا، فدای تو.....
- ۲۲ □ دلیل دارد اگر سر به زیر و غمگینم.....
- ۲۴ □ این جمعه هم رفت ازت خبر نیومد.....
- ۲۵ □ آرزوی دیدنت را می‌برم آیا به گور.....
- ۲۶ □ چشم تو دنبال خود چشمان ما را میکشد .

منزل سوم مخاطب عام..... ۲۷

- ۲۸ □ از همه خسته شدم، خستگی‌ام را در کن ...
- ۲۹ □ رو سیاه آمدم و دربه‌درم پاکم کن.....

۳۰ بادلې محزون رسيدم □

۳۱ سلام من به تو اماما..... □

منزل چهارم گلچين ادعيه..... ۳۲

۳۳ مناجات خمسة عشر

۳۳ مناجات شعبانيه

۳۴ دعای کميل

۳۶ دعای ابو حمزه ثمالی

۴۰ عالية المضامين

فهرست تفصیلی ۴۲